روزنامه هم‌میهن

دوشنبه ۸ دی ۱۴۰۴ ▪ ۱۶ صفحه ▪ ۲۰ هزار تومان ▪ سال چهارم ▪ شماره ۹۶۹

www.hammihanonline.ir

عرضه بنزین ویژه

گفت‌وگو با **محمد نظیفی** مدیرعامل بورس انرژی
درباره معاملات بنزین

گزارش شهر ۱۲-۱۳

انبار بود نه تونل

بررسی میدانی و تصاویر هم‌میهن
درباره آنچه زیر بازار تهران می‌گذرد و شایعات اخیر

افسردگی و درماندگی

یادداشتی از **مهدی ملک محمد** روان‌شناس
درباره پیامدهای وضعیت اقتصادی کنونی

سال پرهیاهو

جمع بندی شورای روابط خارجی آمریکا از ۱۰ رویداد مهم ۲۰۲۵

گزارش دولت ۲ تا ۵

با تاکید بر مسئولیت حکومت
در تامین معیشت مردم

پزشکیان: نتوانم می‌روم

بررسی نامه اخیر جبهه پایداری
به رئیس جمهور
در گفت‌وگو با
محمد عطریانفر
منصور حقیقت‌پور

سرمقاله

فلسفه حکومت پزشکیان

آقای رئیس‌جمهور دیروز و در مجلس ضمن دفاع از کلیات لایحه بودجه به تبیین رویکردها، اولویت‌ها و سیاست‌های اقتصادی دولت در سال آتی پرداخت. وی به ۱۰ سرفصل پرداخت که اغلب این موارد در هنگام دفاعیات بودجه و در چند دهه اخیر تکراری گفته شده است و معمولاً هم تحقق آنها دور از ادعاهای رسمی است. نکته مهم سخنان رئیس‌جمهور، در آخرین بند سخنانش بود که با استناد به آیات گوناگون، بی‌توجهی به معیشت مردم و اطعام محرومان را عامل سقوط حکومت‌ها دانست و تصریح کرد که از منظر دینی، فلسفه حکومت چیزی جز «حل مشکلات مردم» نیست. او با صراحت اعلام کرد که اگر نتواند معیشت مردم را بهبود بخشد، ماندن در قدرت برای او ارزشی ندارد و این مسئولیت، پاسخگویی سنگینی در دنیا و آخرت به‌دنبال خواهد داشت. این سخنان بسیار صریح است. اولین نکته درباره قابل سنجش کردن گزاره مهم «بهبود بخشیدن به سطح معیشت مردم» به‌عنوان فلسفه حکومت از نظر پزشکیان است. این گزاره چند سنجه روشن دارد. اول، بهبود مستمر رشد اقتصادی. دوم، بالاتر بودن رشد دستمزدها در مقایسه با تورم و سوم، تعدیل نابرابری یا همان کاهش ضریب جینی است. گرچه در مورد سوم اطلاعات دقیقی در دسترس نیست، ولی در چند سال اخیر تغییر چندانی رخ نداده است. دومین شرط نیز محقق نشده است. به همین علت، درآمد سرانه مردم رو به کاهش گذاشته است و فقر افزایش بسیاری یافته است. در بودجه سال آینده هم این ویژگی مشهود است، تورم ۴۵ درصدی امسال با افزایش ۲۰ درصدی حقوق سال آینده یعنی افزایش فقر. و بالاخره رشد اقتصادی نیز مستلزم افزایش سرمایه‌گذاری است که فعلاً از آن خبری نیست و حتی اکنون در وضعیت رکود تورمی و رشد منفی اقتصادی هستیم. بدتر اینکه چشم‌انداز و افق روشنی هم نمی‌بینیم. پرسش این است که آیا این امر ناشی از ناتوانی دولت است یا دلایلی فراتر از این دولت و آن دولت دارد. حداقل سه دولت اخیر از سال ۱۳۹۶ تاکنون نشان داده‌اند که این وضعیت فصل مشترک آنها است. در شرایط کنونی بازی در زمین بوروکراسی اداری، سر از رفاه در نمی‌آورد در واقع، مشکل در سیاست است و نه اقتصاد. ممکن است پرسیده شود که پس چرا در انتخابات از پزشکیان دفاع کردید؟ برای اینکه او در میان نامزدها بهترین نگاه را برای بهبود وضعیت سیاسی داشت و همچنان هم دارد و باید به رویکردهای سیاسی او برای اجرا احترام گذاشته می‌شد. ۱۱

پرده «مرجان به روایت داش‌آکل»، تئاتر رودادر برکلی کالیفرنیا، آگوست ۲۰۲۵/ عکس: آلو سالمی

خود ایران بود

علی ورامینی
دبیر گروه فرهنگ

بیضایی مُرد و به تهران نرسید. به تهرانی که می‌خواست «در آن امنیت داشته باشد، بتواند کار کند و خانواده‌اش را اداره». پیرانه سر، بار دیگر ناچار به هجرت شده بود. ایران را به دوشش انداخته بود تا استنفورد. اتاقش را ایران کرده بود و همه جهانش آن اتاق. می‌گفت حتی مقرری دانشگاه که سال‌ها برای آن ذره‌ذره پول داده بود را هم به او ندادند. آدم شرم می‌کرد اینها را از زبان آن مرد می‌شنید. آخر مگر غولی چون بیضایی باید به پول، به دانشگاه رفتن/نرفتن یا کار کردن/ نکردن بیاندیشد؟ مگر میازاکی در ژاپن به این چیزها فکر می‌کند؟ میازاکی را از این بابت قیاس می‌کنم که شبیه‌ترین هنرمند زنده به بیضایی است. هردو تقریباً هم سن‌اند. بیضایی سه سال از او زودتر به دنیا آمده بود؛ هر دو اوج جنگ دوم جهانی. هر دو با جهانی مواجه شدند که با اسم رمز جهانی‌شدن تا چشم باز کردند و خواستند بیاندیشند هر ارزشی جز ارزش‌های مدرنیته غربی تخفیف داده می‌شد. هر دو اما مقاومت کردند. تاریخ، اسطوره، فرهنگ و زبان خود را کنار نگذاشتند. داشته‌های خود را چون گنجی دیدند که اگر استفاده نکنند خود را بی‌بهره از آن کرده‌اند. هر دو ریشه‌های فرهنگی خود را جستند، به آن ارجاع دادند اما در چاه نوستالژی نیفتادند. از مدیوم‌ها و فناوری‌های روز استفاده کردند تا بازآفرینی هنرمندانه داشته باشند. ولی آن کجا و این کجا؟ میازاکی بر صدر نشست، احترامش داشتند و دارند، امکانات بی‌حساب به او دادند. برای همین پیرمرد اعجوبه ژاپنی تا هنوز که ۸۴ سال دارد فقط چند ساعت محدود از استودیش برای استراحتی کوتاه خارج می‌شود. اینها را میازاکی در یکی از آخرین گفت‌وگوهایش گفته بود. مقایسه کنید با روزگار غول هم‌تراز او در ایران. سخن‌های دردناکش را در غربت همه شنیده‌ایم، یکی از چهره‌های مهم تاریخ هنر ایران به‌قد یک شهروند هم امکانات و آزادی‌عمل در خاکش نداشت تا بتواند کار کند. اما پری‌رو تاب مستوری ندارد. تا دم آخر هرطور شده بود کار می‌کرد؛ درباره شاهنامه، اسطوره و ایران. تئاتر می‌ساخت و تدریس می‌کرد. ای‌کاش مجسمه‌ای از او سر در هر دانشگاهی نصب شود تا هرکس به شمایل او نگاه می‌کند متوجه شود، وقتی از عمری کار بی‌وقفه صحبت می‌کنیم، مقیاس چیست. تا همه بفهمند، می‌توان چنان شعور و بینشی داشت که در اوج شلتاق فیلمفارسی و بازنمایی ابژه‌گونه‌اش از زن، کسی که بینش داشته باشد و اسیر ابتذال جو نشود، می‌تواند غریبه و مه بسازد. می‌تواند زودتر از همه، زن کنشگر را در جامعه سنتی بازنمایی کند. ۱۶

بهرام بیضایی

۵ دی ۱۳۱۷ – ۵ دی ۱۴۰۴

یادنامه فرهنگ ۱۴ تا ۱۶

با یادنوشت‌هایی از:
احمد مسجدجامعی
پرویز جاهد
فرهاد محرابی
فرید ناصر
امیرفرض‌اللهی
صوفیا نصرالهی
فرزاد نعمتی
محسن محمودی
شاهین محمدی زرغان
مسعود شاه‌حسینی
و عکس نوشتی از امیر جدیدی